

## اهل حق

بی گمان همه خوانندگان گرامی نام اهل حق را شنیده‌اند و کم‌وبیش با آنان آشنا هستند . ولی میتوان گفت از آئینشان خوب سر در نیاورده‌اند . زیرا بسیاری از این گروه مردمانی ساده و کم سواد هستند و آنجوریکه باید به چگونگی آئین خود پی نبرده‌اند و چنین می‌پندارند آئینشان دارای رازهای ناگفتنی است و نباید آنرا بنمایانید .

با آنچه گفته شد ، گروه اهل حق نوشته‌های دینی خود را که سرود هائی باگوش کردی هورامی و پاره‌ئی هم بزبان ترکی است و همه آنها بنام کلام خوانده میشوند ، بکسان دیگر نشان نمیدهند و آنها را از دیگران پنهان میدارند و نمی‌گذارند ، دست پژوهندگان بیفتد و بچاپ برسد . برای همین است که تا نزدیک پنجاه سال پیش ، هیچگونه کتابی درباره آئین آنان بچاپ نمیرسید . ولی اکنون باکوشش فراوان پژوهندگان رازها و ریزه کاریهای راه و روشها و سروده‌های آنان بخوبی نمایان شده و خودشان هم در این راه گام برداشته و هماهنگ با پیشرفت فرهنگ و دانش کتابهائی نوشته بچاپ رسانیده‌اند . زیرا خوب دریافته‌اند که در روزگار کنونی نمی‌توان دین و آئین را پوشیده و پنهان نگاه داشت و دست پژوهندگان را کوتاه کرد .

از کتابهائی که در این زمان بدست خود آنان نوشته شده ، میتوان شاهنامه حقیقت سروده شادروان حاج نعمت‌الله جیحون آبادی مکرری ، برهان الحق گرد آورده دانشمند ارجمند آقای حاج نورعلی الهی ، سروده‌های دینی یارسان فراهم آورده جوان دانشمند آقای ماشاءاله سوری را نام برد .

گذشته از این کتابها ، چند سال پیش نیز کتابی بنام رساله اهل حق باکوشش

دانشمند روسی ایوانف بچاپ رسیده و امسال هم در تبریز کتابی بنام سرسپرده گان اهل حق نگارش آقای خواجه الدین چاپ شده است .

برای نشان دادن بیداری و جنبش اهل حق ، باید در اینجا از کوشش آقای سید قاسم افضلی کارمند استانداری کرمانشاه نیز یاد کرد که از رهبران این دودمان بشمار میرود .

ایشان که جوانی روشن بین و آدم امروزی هستند ، از چند سال پیش باین اندیشه افتاده بودند که سرودهای دینی اهل حق را بچاپ برسانند و در دسترس مردم بگذارند تا بخوانند و از راه و روش آنان آگاه گردند . روی این اندیشه ستوده کلامهای زیادی راکه باگوش کردی هورامی بوده ، گرد آوری کرده بتهران آورده بودند که به چاپ برسانند .

ولی چون باره و روشهای وابسته بچاپ کتاب چندان آشنائی نداشتند و میخواستند کلامهای کردی را بی ترجمه فارسی چاپ کنند ، از این رو با دشواریها روبرو شدند و در کار خود پیروزی بدست نیاوردند . رویهمرفته اندیشه و کوشش ایشان که برای شناساندن اهل حق بود ، در خور درود و ستایش میباشد . امیدوار است در آینده بتوانند از روی کاردانی این سرودها را با ترجمه فارسی آنها بچاپ برسانند و پژوهندگان را از بار و براین کار پسندیده بهره ور سازند .

چون در آغاز گفتار ، از نشان دادن نوشته ها و سرودهای دینی اهل حق سخن بمیان آمد ، خوب است در اینجا داستانی راکه با آن روبرو شده ام به آگاهی خوانندگان برسانم .

نزدیک ده ماه است در باره سروده ها و سرگذشت شادروان بابا طاهر سرگرم پژوهش هستم . از سروده هایش تاکنون بیش از شصت (۶۰) نسخه دست نویس کهنه به کمک نیک اندیشان بدست آورده ام و سرگرم سنجش و پالایش و پیرایش هستم تا بتوانم

بچاپ برسانم .

در برخی از نوشته‌ها میخواندم که بابا طاهر در میان اهل حق پایه‌ئی ارجمند دارد و در کتاب سرانجام که بنیادنامهٔ دینی آنان است، از او وفاطمه لره یاد شده است. من خودم کتاب سرانجام و همچنین بسیاری از کلامهای اهل حق را در دست دارم ، ولی چون در آنها چنین چیزی ندیدم ، به جست و جوی نسخه‌های دیگری از این کتاب افتادم زیرا کتاب سرانجام دارای نسخه‌های گوناگون است .

در جست و جوها و پرسشهایی که از اهل حق و بویژه از اهل حقهای استان کرمانشاه می‌کردم ، می‌گفتند آقای نورعلی الهی هر جا کتاب سرانجام سراغ داشته ، از مردم گرفته و گمان نمی‌رود در جایی مانده باشد . در برخورد با خود آقای الهی هم دانسته شد گفته‌های آنان درست بوده . زیرا آقای الهی می‌گفتند هفتاد و دو نسخهٔ دست نویس دارم و می‌خواهم آنها را باهم بسنجم و نسخهٔ پالایش یافته را فراهم آورم و بچاپ برسانم .

آقای الهی که دانشمند سالخورده‌ئی هستند و مانند خود بنده آفتاب لب با م میباشند ، سزاوار این است شماره‌هایی از این کتاب‌ها را بکتاب خانه های بزرگ ببخشند یا بفروشند و با اینکه بدهند فر تور گیری (عکسبرداری) نمایند و در دسترس پژوهندگان بگذارند . زیرا سنجش و پالایش و پیرایش هفتاد و دو نسخهٔ دست نویس و فراهم آوردن يك نسخهٔ پالایش یافته برای چاپ ، نزدیک ده سال کار دارد که بازنگی ما سالخوردگان چندان چور نمی‌آید ، چه بسا اینگونه کتاب‌های ارزنده که برای بهره برداری بندگان خداست ، پس از مرگ از میان می‌رود و بدست دلباخته‌گان دانش نمیرسد و مایهٔ افسوس میگردد .

در هنگام جست و جو برای بدست آوردن نسخه‌ئی که یادآور نام بابا طاهر و فاطمه لره باشد ، سرهنگ بازنشسته آزاد علی نمایندهٔ آقای سید منصور مشعس را

بمن شناساندند . به ایشان تلفون کردم ، به خاندانشان رفتم و چگونگی را بازگو کردم . گفتند بلی من چنین کتابی دارم . از بابا طاهر و فاطمه لره و دیدار آن دو باشاه خوشین لرستانی نیز در آن یاد شده است ،

سپس کمی از این داستان سخن گفتند ، بسیار شادمان شدم ، خواهش کردم کتاب را بدهد تا در همانجا همین گفته‌ها را بنویسم . پاسخ داد نمی‌توانم نشان بدهم ، زیرا در آئین ما دستور چنین است که نوشته‌های دینی خود را بکسی نشان ندهیم . اما این کتاب با کوشش ایوانف بچاپ رسیده . می‌توانید بروید خریداری کنید .

گفتم شما داستان را برای من بازگو کردید . کتاب هم بگفته خودتان بچاپ رسیده . با همه اینها چرا از نشان دادن آن خودداری می‌کنید پاسخ داد دستور این است . باشگفت فراوان و افسوس فراوان برخاستم و آمدم . کتاب را از کتابفروشی خریدم و آنچه را که میخواستم در آن یافتم و بهره بردم .



آقای نیک نژاد

پس از این برخوردها ، چون نام و آوازه آقای نیک نژاد را که از پیشوایان اهل حق است شنیده بودم ، هوس کردم ایشان را هم به بینم که شاید از بابا طاهر در

نوشته‌های اهل حق آگهی‌هایی بدست بیاورم ،

بلی. نزد آقای نیک‌نژاد رفتم. اما با ناامیدی. زیرا گمان می‌کردم او هم رازهای مگورا برخ من خواهد کشید و نشان دادن کتاب و کلام را ناروا خواهد دانست .

ولی بزخورد ما جور دیگر شد . یعنی باگشاده روئی و مهر ورزی فراوان که شایسته یک رهبر دینی است از من پذیرائی کردند و آنچه را که کتاب و کلام داشتند آوردند و بمن نشان دادند و ازارزش آنها سخن بمیان آوردند و گفتند : در این اندیشه هستم که اینهارا باکمک دوستان دانا و دل آگاه ترجمه کنم و بابررسیهای دانشی به چاپ برسانم تا بدست پژوهندگان برسد و آنها را از آئین اهل حق آگاه سازد.

پس از این گفت و گوها سخن دیگری را به میان آورد و آن این بود که می‌گفت آرزو دارم بکمک یاران خانقاهی بنام خانقاه اهل حق بسازم که دارای کتابخانه باشد و برای پژوهندگان سودمند گردد.

پاره‌ئی از کتاب‌ها را که خود نداشتم ، بمن دادند بپریم بخوانم و بر گردانم. خوشبختانه از خواندن آنها هم آگهی‌هایی در باره باطاها و فاطمه لره بدست آوردم که خیلی سودمند بود .

از این برخوردار نیک و سود بخش بسیار شاد شدم و دانستم که این نیکم در روشن- بین و خداپرست ، اندیشه بلندی در سر و آرزوهای بزرگی بدسود گروه اهل حق در دل دارد . امیدوارم در رهبری خود بیش از پیش سودمند افتد و در آرزوهائی که برای چاپ سرودهای دینی و ساختن خانقاه دارد کامیاب گردد و پیروان راه حق را از اندیشه بلند و دانش خود بهره‌مند سازد .

بی‌گمان همه پاکدلان و نیکوکاران ، در این راه سودمند با ایشان ده‌ساز و هم آواز خواهند بود و از یاری و همراهی دریغ نخواهند کرد .